

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

نویسنده: رضا پیربهای M. Reza Pirbhai

مرکز مطالعات جهانی سازی ۱۲ جون ۲۰۱۲

برگردان از: حمید محوی

۱۵ جون ۲۰۱۲

خسارات انسانی در «جنگ علیه تروریسم» –

سخنی چند در باب آمار و ارقام



در آغاز «جنگ علیه تروریسم» ژنرال امریکائی تامی فرانکس اعلام کرد: «ما اجساد را نمی شماریم». البته باید دانست که او در این جا به قربانیان افغان اشاره دارد. از آن جایی که نام قربانیان ۱۱ سپتمبر را مشخصاً و رسماً در سنگ حک کرده اند، ناچیز و حقیر شمردن قربانیان از بین غیر نظامیان غیر امریکائی، غیر اروپائی و غیر ناتویی در جنگی که به نام آنها (یعنی قربانیان ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱) برپا کردند، مفهوم فوق العاده و اهمیت خاصی پیدا می کند.

در نتیجه در مورد جنگی که در حال حاضر یازدهمین سال خود را پشت سر می گذارد و طی آن دو کشور دیگر نیز اشغال شد، و به همین گونه بمباران فعلی، دست کم، روی سه کشور دیگر، هیچ بررسی جامعی از تلفات مستقیم یا غیر مستقیم صورت نگرفته است.

برای آن که آتش جنگی در این ابعاد و تا این اندازه و به این طول و عرض زمانی شعله وری باقی بماند و ادامه یابد، بی آن که محافل رسمی برای روشن ساختن شمار «دیگر قربانیان» تمایلی از خود نشان دهند، آشکار کننده شیوه ای است که دولت های مربوطه در اداره جنگی که برپا کرده اند، هزینه آن را حساب می کنند.

اگر سیاست رسمی چنین است، باید نتیجه بگیریم که کشته شدگان، معلولین، ناپدیدشدگان و آوارگان غیرامریکائی و غیر ناتوئی به معادله تعلق ندارند.

از آنجائی که چنین سیاستی در افکار عمومی زیر علامت سوال نرفته است رویکرد وسیع تری را در رابطه با «دیگران» و به ویژه در رابطه با مسلمانان آشکار می سازد.

با این وجود، سازمان ملل متحد و چند سازمان غیردولتی سعی می کنند در به هم ریختگی و وضعیت بی سر و سامان مناطق جنگی، آمار و ارقامی را تهیه کنند. با وجود موانعی که محافل رسمی ایجاد کرده اند و بی اعتنائی عمومی، به شکل جزئی به نتایج مرگبار چنین جنگ هائی دست یافته ایم.



از افغانستان شروع می کنیم، بررسی هائی که دائما در رابطه با تهاجم به افغانستان در سال ۲۰۰۱ در نشریات به نقل آمده شمار قربانیان غیر نظامی افغان در عملیات نظامی را ۴۰۰۰ تا ۸۰۰۰ یاد کرده اند.

برای سال ۲۰۰۵-۲۰۰۳ گزارشی منتشر نشده، ولی در سال ۲۰۰۶، دیدبان حقوق بشر کمتر از ۱۰۰۰ کشته بین غیرنظامیان را در نبردهائی که دائما در افغانستان روی می دهد، گزارش کرده است.

از سال ۲۰۰۷ تا جولای ۲۰۱۱، مأموریت مددکاری سازمان ملل متحد در افغانستان شمار قربانیان غیر نظامی را ۱۰۲۹۲ نفر تخمین زده است. باید یادآور شویم که این ارقام قربانیان غیر مستقیم و مجروحان را در برنمی گیرد.

در مورد قربانیان غیر مستقیم، بهترین منبعی که تا کنون در این مورد وجود داشته، گاردین است که ۲۰۰۰۰ کشته را اعلام کرده است. این تعداد افراد بیشتر در اثر جا به جائی و گرسنگی به دلیل قطع مواد غذایی در سال اول جنگ از بین رفته اند.

علاوه بر این، به گزارش سازمان عفو بین الملل، ۲۵۰۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۱ به کشورهای دیگر فرار کرده و دست کم ۵۰۰۰۰۰ نفر تا کنون در داخل کشور آواره شده اند.

حال به عراق می پردازیم : به اساس طرح «شمارش اجساد عراقی» (۱) از سال ۲۰۰۳ تا اوت ۲۰۱۱ تقریباً ۱۱۵۰۰۰ غیر نظامی در تیراندازی های پراکنده کشته شده اند. ولی به اساس بررسی های بهداشت خانواده در عراق وابسته به سازمان جهانی بهداشت، رقم ۱۵۰۰۰۰ قربانی تنها برای سه سال اول اشغال عراق به ثبت رسیده است. با حساب قربانیان غیر مستقیم، به گزارش «لانسِت» - (مجله علوم پزشکی بریتانیائی) - تقریباً ۶۰۰۰۰۰ نفر برای همین مدت قید شده است.

علاوه بر این، بررسی های یک مرکز تحقیقاتی (۲) تخمین زده است که تا پیش از اواسط ۲۰۰۷، یک میلیون مرگ فجیع روی داده است. کمیساریای عالی سازمان ملل متحد نیز دو میلیون پناهنده به کشورهای دیگر و دو میلیون



آواره در داخل کشور را در سال ۲۰۰۷ اعلام کرده است. اطلاعات دقیقی در مورد قربانیان غیر مستقیم و مجروحان وجود ندارد، ولی اعلام شده است که زیر ساخت های نظام بهداشتی عراق که تا پیش از ۱۹۹۱ از بهترین ها در منطقه بود، کاملاً از بین رفته است.

علاوه بر این دو کشور اشغال شده، «جنگ علیه تروریسم» به برخی از کشورهای همسایه نیز گسترش یافت، مانند پاکستان، یمن و سومالی. نخستین سلاحهائی که در این مناطق به کار برده

شد، پهپادهای ایالات متحده هستند، و قطعات عملیات ویژه، مأموران خدمات سرّی و نیروهای نظامی کشورهای اشغالگر. به این دلیل که عملیات نظامی خارج از چهارچوب حقوقی و به شکل سرّی انجام می گیرد، در نبود داده ها و شواهد مستقل، اطلاع از تعداد قربانیان بسیار مشکل خواهد بود. در واقع، در افغانستان و عراق هم با همین مشکل روبرو هستیم، ولی همه بر این عقیده هستند که شمار پهپادهای به کار گرفته شده در پاکستان، یمن و سومالی رو به افزایش داشته است.

تا امروز، به اساس گزارشات دفتر روزنامه نگاری «انوستیگاسیون» (مترجم: منظور حتما سایت میشل کولن است)، بین سال ۲۰۰۴ و جون ۲۰۱۲ دست کم ۳۷۵ عملیات هوائی روی پاکستان انجام گرفته (بیش از ۳۰۰ حمله در ریاست جمهوری اوباما – برنده نوبل صلح). دست کم ۲۴۶۴ نفر کشته شده اند که باز هم دست کم ۴۸۴ نفر از آنها غیر نظامی (۱۶۸ کودک) بوده اند. واشینگتن پست ۳۸ حمله دیگر را در یمن اضافه می کند که موجب مرگ ۲۴۱ تن که ۵۶ نفر از آنها غیر نظامی بوده است. برای سومالی آماری ذکر نشده، ولی نیویورک تایمز تأیید کرده است که دست کم از سال ۲۰۰۷ این نوع عملیات در این کشور نیز صورت گرفته است.

محافل رسمی و شهروندان عادی که طرفدار جنگ هستند با عجله پاسخ می گویند که مسؤولیت بسیاری از این آمارهائی که به مرگ غیر نظامیان مرتبط می باشد، به عهده مبارزانی است که علیه ما می جنگند. ولی اگر داده های ما تا این اندازه ناکامل هستند، چگونه می توانیم در چنین مواردی با صراحت تمام داوری کنیم؟ و چگونه می توانیم مبارزان و مردم عادی را در بمباران هوائی توسط پهپادها تشخیص دهیم، به ویژه وقتی که قاتل و قاضی هر دو یکی هستند؟

در حقیقت، حتی اگر چنین قضاوتی را در نظر بگیریم، چنین تازش هائی از سوی دولت ایالات متحده، به اساس اعتراف خود این دولت، بین تمام کشورهای دیگر، به عنوان کشوری تلقی می گردد که بیش از همه «قتل هدف گیری شده» در تاریخ را به ثبت رسانده است.

به همان شکلی که یکی از نمایندگان سازمان مددکاری سازمان ملل متحد در افغانستان در بررسی هایشان مطرح کرده است: «ما وقتی در مورد هویت قربانی تردید داریم، و مشخصاً نمی دانیم که جزء مبارزان بوده یا نه، او را به عنوان قربانی غیر نظامی به حساب نمی آوریم. در نتیجه آمار قربانیانی که توسط این سازمان گزارش شده با واقعیت تفاوت داشته باشد.» در واقع تمام افرادی که در چنین تحقیقاتی شرکت داشته به همین مشکل اشاره کرده اند.

اگر همین داده های پراکنده را گردآوری کنیم، به رقم ۱۴۰۰۰۰ قربانی غیر نظامی غیر امریکائی، غیر ناتوئی می رسیم. و به سادگی می توانیم به حداکثر ۱۱۰۰۰۰۰ نفر برسیم، که عبارت است از ۱۴۰۰۰ تا ۱۱۰۰۰۰۰ کشته در سال. از این جهت که بتوانیم در ذهنمان تصویری از واقعه داشته باشیم، باید یادآوری کنیم که «بلیتز» یورش هوایی المان نازی به بریتانیا در ۷ سپتامبر ۱۹۴۰ تا ۱۰ می ۱۹۴۱ در دوران جنگ جهانی دوم، ۴۰۰۰۰ قربانی غیر نظامی بر جا گذاشت.

باید یادآوری کنیم که این حجم از گمانه زنی ها قربانیان مستقیم افغانستان را بین ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ و به همین ترتیب قربانیان غیر مستقیم سال ۲۰۰۳ را تا امروز در بر نمی گیرد.

از سوی دیگر، مرگ شهروندان توسط سلاح های دیگر به جز پهپاد (پرداتورهای مسلح به آتش جهنم – هیل فایر)، به عنوان مثال ناپدید شدن افراد و حبس های سرّی در هیچ کجا به ثبت نرسیده است و تلفات ناشی از عملیات نظامی واگذار شده (به عنوان مثال به پاکستان یا یمن) وارد فهرست نمی شود. شمار مجروحان، کودکان یتیم، بی آن که



شکنجه شده ها را در زندان های عمومی یا خصوصی در تمام جهان به حساب بیاوریم، هیچ یک وارد فهرست نشده و گوئی اساسا وجود خارجی نداشته است.

و سرانجام، می دانیم که درد و رنج میلیون ها مردم آواره در افغانستان، عراق، پاکستان و دیگر نقاط جهان، قابل محاسبه نیست.

آماري که ما در این جا مطرح کردیم، حتی اگر به شکل اسفناکی کامل نباشد، ولی کاملا توضیح می دهد که چرا مقامات ایالات متحده تمایلی به بازشناسی آن ندارند. مطمئنا بازشناسی خسارات عظیم انسانی در «جنگ علیه تروریسم» نشان می دهد که «تروریسم» یک جاذبه نبوده، و مرگبارترین سلاح ها را دولت ها در اختیار داشته و به کار برده اند و نه شبه نظامیان.

ژنرال فرانکس که شمارش اجساد را بیهوده تلقی می کند، اگر چه منقلب کننده به نظر می رسد ولی هیچ جای شگفتی ندارد.

و به روشنی می بینیم که ژنرال امریکائی در گفتمان خود تنها نیست، و بی اعتنائی افکار عمومی در ایالات متحده و در کشورهای عضو ناتو (که تحت تأثیر رسانه ها شست و شوی مغزی شده باشند یا خیر)، دست کم در مورد قربانیان مسلمان، او را بدرقه می کند.

هیچ موردی بهتر و قاطعانه تر از همین بی اعتنائی عمومی و دولتی نمی تواند فقدان بررسی جامع در خصوص تلفات غیرنظامی را توضیح دهد، به ویژه وقتی که در مرگ قریب به ۳۰۰۰ نفر در ۱۱ سپتامبر اشک می ریزند و همچنان به نام «جنگ علیه تروریسم» به خشم می آیند.

م.رضا پیربهنائی استاد تاریخ آسیای جنوبی در لونیزایانا

پی نوشت :

(۱)

Iraq Body Count

(۲)

مأخذ :

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=31385>